

Comparison of the personality characteristics, physical and psychological abuse in spousal abused applicants in divorced and normal women

Hossein Faker-Khorasani¹, Hamid Davoodabadi², Akram Zakeri², Masuod Janbozorgi³,
Mahboubeh Dashtani⁴

1. Department of Psychiatry, Qom university of Medical Sciences, Qom, Iran

2. Qom Legal Medicine Organization, Qom, Iran

3. Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran

4. Department of Clinical Psychology of Shahed University, Tehran, Iran

(Received:2015/04/25

Accept: 2016/11/14)

Abstract

Background: Violence against women is an important public health problem that has short-term and long-term mental and physical health outcomes for women and their families. The aim of this study was comparing the personality characteristics and the rate of spouse abuse in spouse abused, applicant in divorce and normal women.

Method: Sample included married women, 300 from spouse abused women and 200 from divorced applicant who referred to family court were selected and compared with the 154 normal women. For gathering data we used the NEO-FFI and ISA and a demographic questionnaire. Three groups were compared using analysis of covariance.

Results: Findings showed the characteristics of agreeableness and neuroticism in spouse-abused women were more and extroversion was less than the other groups. Also the openness to experience in applicant in divorce women was more than the normal group. Physical abuse in 3 groups was ($p>0.0001$): normal women $13/04\pm3/8$, applicant divorce $24/25\pm9/81$ and spouse abused women $35/9\pm8/55$. Findings were similar to psychological abuse.

Conclusion: It appears that spouse abused women because of their high rate of neuroticism showed more impulsive behaviours, hostile, anxiety and depression will lead to worse problems. However, they also showed more accompaniment and softened, and could not to solve their problems. Therefore, for future research recommended investigating effects of life skills training on changing the status of women abuse.

Keywords: Personality characteristics, Physical spousal abuse, Psychological spousal abuse, Spouse abused women, Applicant in divorce women

* Corresponding Author: Mahboubeh Dashtani*
Email: mdahtani63@yahoo.com

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و آزاردیدگی جسمی و روانی در زنان همسر آزار دیده، متقاضی طلاق و عادی

حسین فاکر خراسانی^۱، حمید داوودآبادی^۲، اکرم ذاکری^۲، مسعود جان بزرگی^۳، محبوبه داستانی^{۴*}

- ۱- گروه روان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
 ۲- سازمان پزشکی قانونی استان قم، قم، ایران
 ۳- گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، قم، ایران
 ۴- گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه شاهد، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۸/۲۴

چکیده:

سابقه و هدف: خشونت در مقابل زنان یک مسئله مهم سلامت عمومی است که پیامدهای سلامت ذهنی و جسمی کوتاه مدت و بلند مدتی برای زنان و خانواده‌هایشان دارد. هدف مطالعه حاضر مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و میزان همسر آزاری در زنان همسر آزار دیده، متقاضی طلاق و عادی است.

مواد و روش‌ها: طرح پژوهش از نوع مورد-شاهدی است. نمونه پژوهش شامل زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده است که ۳۰۰ نفر برای گروه زنان همسر آزار دیده، ۲۰۰ نفر در گروه زنان متقاضی طلاق انتخاب و با ۱۵۴ نفر از زنان عادی مقایسه شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI و شاخص همسرآزاری ISA و یک پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی استفاده شد. سه گروه با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس مقایسه شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی موافق بودن و روان‌آزردگی (نوروزگرایی) در گروه زنان همسر آزار دیده بیشتر و برونگرایی در آنها کمتر از دو گروه دیگر بود، همچنین تجربه پذیری در افراد متقاضی طلاق بیشتر از گروه عادی مشاهده شد. میزان همسر آزاردیدگی جسمی در زنان عادی $3/8 \pm 13/04$ ، طلاق گرفته $9/81 \pm 14/25$ و همسرآزار دیده $8/55 \pm 35/9$ (۰/۰۰۱) $p >$ به دست آمد. نتایج در همسرآزاردیدگی روانی نیز به همین صورت بود.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد زنان همسرآزار دیده به واسطه روان‌آزردگی خونی بالای خود، رفتارهای تکانشی، خصومت، اضطراب، افسردگی و آسیب‌پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهند که منجر به تشدید مشکلات‌شان می‌شود. در عین حال همراهی و نرمش بیشتری نشان می‌دهند و به خاطر برونگرایی پایین قادر به حل مسئله خود نیستند. بنابراین توصیه می‌شود در تحقیق‌های آتی نقش آموزش مهارت‌های زندگی در تغییر وضعیت آزاردیدگی زنان بررسی شود.

واژگان کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، همسر آزاری، زنان همسر آزار دیده، زنان متقاضی طلاق

مقدمه:

و کارکردهایش توانایی دارد. بنابراین شکست خانواده در انجام وظایف و کارایی آن روابط اعضا را سست می‌کند و پدیده‌هایی مثل همسرآزاری یا طلاق می‌تواند ثمره ناکامی اعضا در تحقق وظایف محول شده باشد [۲].

مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی [۳] خشونت خانوادگی و همسرآزاری عبارت است از خشونت که بیشتر بین اعضای خانواده و همسران اتفاق می‌افتد و به طور معمول، نه متحصراً، در خانه رخ می‌دهد. همسرآزاری یعنی هر رفتاری در طول یک رابطه صمیمی که موجب صدمه جسمی، جنسی یا روان‌شناختی شود [۴]. خشونت

خانواده، واحدی عاطفی اجتماعی است که کانون رشد و التیام، تغییر و تحول و آسیب‌شناسی اعضا و روابط بین آن‌هاست. همچنین خانواده عامل همبستگی و شرط تعادل اجتماعی و رکن اصلی جامعه است که در هر عصری و نسلی عملکرد دارد و محصولات این عملکرد در الگوهای تعاملاتی اعضایش تجلی می‌کند [۱]. ملاک کارایی خانواده این نیست که در آن فشار روانی، تعارض و مشکلی وجود نداشته باشد، بلکه این است که خانواده تا چه اندازه در تحقق وظایف

نویسنده مسئول: محبوبه داستانی
 پست الکترونیک: yahoocom@mdastani63

اقتصادی آن کار شده و کمتر به نقش علل روان شناختی توجه شد است. از این رو به نظر می رسد بررسی علل و عوامل اجتماعی- اقتصادی، فردی و روان شناختی در پدیده همسر آزاری و طلاق از اهمیت و ضرورت زیادی برخوردار است. در نتیجه این پژوهش درصدد مقایسه ویژگی های شخصیتی و میزان همسر آزاری در زنان همسر آزار دیده، متقاضی طلاق و عادی شهر قم است.

روش:

این پژوهش از نوع مورد-شاهدی بوده و جامعه آماری آن را تمامی زنان متأهل شهر قم تشکیل دادند. نمونه شامل ۶۵۴ نفر زن با حداقل یک سال سابقه ازدواج بود که برای نمونه گیری دو گروه زنان همسرآزار دیده و متقاضی طلاق، از بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده، ۳۰۰ نفر با شکایت همسرآزاری و ۲۰۰ نفر متقاضی طلاق به صورت داوطلبانه انتخاب شدند و نمونه گیری زنان عادی نیز از بین زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز بهداشت شهر قم که سابقه مراجعه به دادگاه خانواده برای شکایت از همسرآزاری یا دادخواست طلاق نداشتند، ۱۵۴ نفر به صورت در دسترس انتخاب شدند. نمونه گیری طی ۶ ماه از اردیبهشت تا آبان سال ۹۲ انجام شده است. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه های زیر استفاده شد:

پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI: این پرسشنامه شامل ۶۰ سوال است که بر اساس تحلیل عاملی نمره های NEO-PI که در سال ۱۹۸۶ اجرا شده بود، به دست آمده است. در باره اعتبار NEO-FFI، نتایج چندین مطالعه حاکی از آن است که زیر مقیاس های NEO-FFI، همسانی درونی خوبی دارند. به عنوان مثال Costa و McCrae (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ (برای موافق بودن) تا ۰/۸۶ (برای روان آزرده گرایی) را گزارش کرده اند. نتایج مطالعه Mooradian و Nezelek (۱۹۹۵) نیز حاکی از آن است که آلفای کرونباخ روان آزرده خویی، برون گرایی، تجربه پذیری، موافق بودن و با وجدان بودن به ترتیب عبارت است از ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۵ و ۰/۸۳. پرسشنامه NEO-FFI در ایران توسط گروسی (۱۳۷۷) هنجاریابی شده است. اعتبار با استفاده از روش آزمون- آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹. برای عوامل N (نوروز گرایی یا روان آزرده خویی)، E (برون گرایی)، O (تجربه پذیری یا گشودگی به تجربه)، A (موافق بودن)، C (با وجدان)، به دست آمده است. در زمینه روایی همزمان این پرسشنامه و پرسشنامه نشانگر ریخت مایرز بریکز، پرسشنامه چند جنبه ای شخصیتی مینه سوتا، پرسشنامه تجدیدنظر شده کالیفرنیا، بررسی مزاج گیلفورد و زاکرمن، فهرست رگه ها و مقیاس رگه بین فردی رابطه بالایی گزارش شده است [۲۳].

شاخص همسرآزاری، از سوی Hadsun و Mckintosh (۱۹۸۱) برای اندازه گیری شدت یا میزان آزار جسمی و غیر جسمی که یک زن از طرف همسرش متحمل می شود، ساخته شده است. ISA یک مقیاس خود گزارش دهی دارای ۳۰ گویه است. ۱۱ گویه مربوط به آزارپذیری جسمی و ۱۹ گویه مربوط به آزارپذیری روانی می شود که در یک طیف پنج درجه ای لیکرت درجه بندی می کند. نمره برش پیشنهادی برای آزارپذیری جسمی نمره بیشتر از ۱۰ و برای آزارپذیری روانی نمره بیشتر از ۲۵ است [۲۴].

تحقیق های مختلف همسانی درونی خوبی از ۰/۸۹ تا ۰/۹۸ برای این مقیاس و دو مؤلفه آن گزارش کرده اند [۲۴، ۲۵ و ۲۶]. مطالعه های مربوط به روایی محتوا، همزمانی، ملاک و سازه نشان دهنده روایی این پرسشنامه هستند [۲۴ و ۲۵]. در ایران نیز فاکر و همکاران (زیر چاپ) در بررسی ویژگی های روان سنجی این مقیاس گزارش کرده اند که همه گویه ها دارای همبستگی معنادار ($p < 0.01$) با نمره کل بودند و دامنه این همبستگی ها از ۰/۳۹ در گویه ۳ تا ۰/۸۵ در گویه ۲۷ متغیر بود. همچنین در بررسی اعتبار مقیاس، همسانی درونی بسیار خوب از ۰/۹۱ تا ۰/۹۶ مشاهده شد.

برای تحلیل داده های توصیفی از شاخص های آمار توصیفی، فراوانی، جدول، میانگین و انحراف استاندارد و برای تحلیل استنباطی از تحلیل کوواریانس برای مقایسه میانگین گروه ها استفاده شد.

یافته ها:

در پژوهش حاضر ویژگی های شخصیتی و میزان همسرآزاری جسمی و روانی در

در مقابل زنان یک مسئله مهم سلامت عمومی است که پیامدهای سلامت ذهنی و جسمی کوتاه مدت و بلندمدتی برای زنان و خانواده هایشان دارد [۵]. پژوهش ها میزان همسرآزاری مشاهده شده در برخی کشورها را به این شرح گزارش کرده اند: مصر ۳۴ درصد، اتیوپی ۴۵ درصد، نیجریه ۳۱ درصد، شیلی ۲۱ درصد، مکزیک ۴۰ درصد، کانادا ۲۹ درصد، سوئیس ۲۱ درصد و ترکیه ۵۸ درصد. همچنین پژوهش ها نشان می دهد در آمریکا ۳۰ تا ۳۵ درصد زنان مورد آزار جسمی شوهران خود قرار می گیرند [۶]. سیف ربیعی و همکاران [۷] میزان همسرآزاری در شهر تهران را ۴۱/۷ درصد و شایع ترین انواع همسرآزاری را قهر و کم محلی، تحقیر و سرزنش و فحش و ناسزا گزارش کرده اند. همچنین میرزایی و همکاران [۸] میزان همسرآزاری در شهر اصفهان را ۲۴ درصد گزارش کرده اند که بیشترین موارد آزار شامل نداشتن اجازه خروج به تنهایی از منزل، قهر هنگام ناراحتی و تحقیر و سرزنش بود که از گسترش شکل های روانی همسرآزاری در جامعه حکایت دارد [۹]. همچنین طلاق و همسرآزاری پیامدهای منفی فراوانی برای فرد، فرزندان و به تبع آن برای جامعه دارد. تحقیق ها نشان داده است مشکلات زناشویی عامل مهمی در ۵۰ درصد از پذیرش شدگان بیمارستان های روانی است. افراد مطلقه در معرض خطر روزافزون افسردگی و خودکشی، پذیرش در بیمارستان های روانی، آسیب پذیری در مقابل بیماری های فیزیکی و اقدام به خسوف و قتل، افزایش تصادفات اتومبیل منجر به مرگ و عملکرد تحصیلی پایین در فرزندان هستند [۱۰ و ۱۱]. Amato و Cheadle [۱۲] نشان دادند که تعارضات خانوادگی و طلاق والدین، به مشکلات رفتاری و حتی بیولوژیکی در کودکان منجر می شود و در مطالعه McFarlane و همکاران [۱۳] کودکان سنین ۱۸ تا ۶ سال از مادران آزار دیده مشکلات رفتاری بیشتری نسبت به بچه هایی از همان سن و جنس از مادران آزار ندیده نشان می دادند. در تحقیق بک و همکاران [۱۴]، ۶۷/۸ درصد از زنان متقاضی طلاق سابقه آزارپذیری جسمی و روانی را گزارش کرده اند. Shortt و همکاران [۱۴] نشان دادند عاطفه منفی برون سازی شده با آزارپذیری و رضایت زناشویی پایین در زنان رابطه دارد. Roberts و همکاران [۱۵] رابطه بسیار بالا بین تجربه خسوف در خانواده در کودکی و همسرآزاری در بزرگسالی مشاهده کردند. Kong [۱۶] در بررسی تاثیر عوامل روان شناختی بر رضایت زناشویی و طلاق زوجین، نشان داد، درون گرایی اجتماعی و افسردگی در زنان به طور معناداری با تمایل به طلاق در آن ها رابطه دارد. نتایج مطالعه Lawoko و همکاران [۱۷] نشان داد که گرچه سطح تحمیلالات بالا در میان زنان خطر مواجهه با همسرآزاری را کاهش می دهد اما شاغل بودن و داشتن وضعیت شغلی /آموزشی بالاتر از همسر، آسیب پذیری زنان در برابر همسرآزاری را افزایش می دهد. Zlotinc و همکاران [۱۸]، در بررسی پیامدهای همسرآزاری طی ۵ سال گزارش کرده اند که زنان همسرآزار دیده، شدت نشانه های افسردگی و اختلال عملکرد بیشتر و حرمت خود و رضایت از زندگی پایین تری نسبت به زنان عادی نشان می دهند. مطابق پژوهش Parish و همکاران [۱۹]، عوامل خطر مرتبط با همسرآزاری شامل حسادت جنسی، عقاید مردسالاری، درآمد خانوادگی پایین، وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین مرد و مصرف الکل بود. Vest و همکاران [۲۰]، در بررسی عوامل مرتبط با همسرآزاری منجر به طلاق و جدایی به عواملی مثل سن پایین هنگام ازدواج، درآمد پایین، فقدان بیمه درمانی، استعمال سیگار، داشتن فرزند در خانه، وضعیت سلامت ضعیف و آشفتگی های روانی فراوان اشاره کرده اند. شکرکن و همکاران [۱۱] در بررسی ویژگی های شخصیتی به عنوان پیش بین های موفقیت و شکست زندگی زناشویی دریافتند تفاوت زوجین متقاضی طلاق در هر پنج ویژگی روان آزرده خویی، برون گرایی، تجربه پذیری، موافق بودن و با وجدان بودن به طور معناداری بیش از زوج های عادی است. شیرزاد و کاظمی فر [۲۱]، در بررسی خود، شایع ترین علل طلاق را پایین بودن سطح سواد زوجین، اعتیاد، نداشتن بچه، بیکاری و فقر اقتصادی و پایین بودن سن زوجین هنگام ازدواج گزارش کرده اند. در مطالعه ظهیرالدین و خدایی فر [۲۲] نیز، رفتارهای تکاملی، روابط مختل بین فردی، خلق بی ثبات، خودبیمارانگاری، بدگمانی، اختلال سازگاری، افسردگی، انزوا، تفکر غیرمعمول، اضطراب، وسواس و هراس، به ترتیب بیشترین یافته ها در نیمرخ شخصیتی متقاضیان طلاق گزارش شده است. همان طور که گفته شد در بررسی علل طلاق و همسرآزاری بیشتر روی جنبه های اجتماعی-

همسر آزار دیده، متقاضی طلاق و عادی تفاوت وجود دارد. نتایج نشان داد روان آزرده خوبی در گروه همسر آزار دیده بیشتر از دو گروه دیگر و موافق بودن در همسر آزار دیده‌ها بیشتر از زنان متقاضی طلاق است. همچنین میزان برونگرایی در همسر آزار دیده‌ها از زنان متقاضی طلاق کمتر و تجربه‌پذیری در زنان متقاضی طلاق بیشتر از افراد عادی است.

برای بررسی تفاوت میزان آزار دیدگی جسمی و روانی در سه گروه از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج در جدول ۳ آمده است.

طبق جدول ۳، تفاوت میانگین‌های سه گروه در هر دو عامل آزار دیدگی جسمی و روانی معنادار است ($p < 0.01$)، همچنین نتایج نشان داد همان‌طور که انتظار

زنان همسر آزار دیده، متقاضی طلاق و عادی مقایسه شد. نمونه شامل ۶۵۴ نفر بود که ۳۰۰ نفر زنان همسر آزار دیده با میانگین سنی ۲۸/۸۵ و انحراف معیار ۸/۵۵، ۲۰۰ نفر زنان متقاضی طلاق با میانگین سنی ۲۶/۰۸ و انحراف معیار ۷/۳۱ و ۱۵۴ نفر زنان عادی با میانگین سنی ۲۵/۸۸ و انحراف معیار ۴/۷۶ بودند. همچنین میانگین و انحراف معیار مدت ازدواج در گروه زنان همسر آزار دیده ۷/۳۶ و ۵/۹۶، در زنان متقاضی طلاق ۶/۱۰ و ۶/۶۳ و در زنان عادی ۶/۹۶ و ۴/۸۶ بود. در جدول ۱ نیز وضعیت تحصیلی زوجین در ۳ گروه ارائه شده است.

جدول ۱: وضعیت تحصیلات زوجین در ۳ گروه

گروه	زیر دیپلم فراوانی (درصد)	دیپلم فراوانی (درصد)	فوق دیپلم فراوانی (درصد)	لیسانس فراوانی (درصد)	فوق لیسانس و بالاتر فراوانی (درصد)
شوهر	همسر آزار دیده	۱۷۷ (۶۰/۲)	۵۸ (۱۹/۷)	۱۶ (۵/۴)	۳۹ (۹/۹)
	متقاضی طلاق	۱۲۰ (۶۱/۲)	۵۰ (۲۵/۵)	۸ (۴/۱)	۱۴ (۷/۱)
	عادی	۷۹ (۵۱/۶)	۳۲ (۲۰/۹)	۹ (۵/۹)	۱۵ (۹/۸)
زن	همسر آزار دیده	۱۵۶ (۵۲/۵)	۹۷ (۳۲/۷)	۱۳ (۴/۴)	۲۴ (۸/۱)
	متقاضی طلاق	۸۵ (۴۳/۱)	۷۴ (۳۷/۶)	۱۴ (۷/۱)	۳ (۱/۵)
	عادی	۶۸ (۴۴/۲)	۶۳ (۴۰/۹)	۶ (۳/۹)	۴ (۲/۶)

جدول ۳: آزمون تحلیل واریانس یکراهه برای بررسی میزان آزار دیدگی در ۳ گروه

متغیر	گروه‌ها	میانگین $\pm$ انحراف معیار	سطح معناداری
آزار دیدگی جسمی	همسر آزاری	۳۵/۹۰ $\pm$ ۸/۵۵	۰/۰۰۰۱
	طلاق	۲۴/۲۵ $\pm$ ۹/۸۱	
	عادی	۱۳/۰۴ $\pm$ ۳/۸۰	
آزار دیدگی روانی	همسر آزاری	۶۵/۵۵ $\pm$ ۱۴/۸۴	۰/۰۰۰۱
	طلاق	۵۲/۹۹ $\pm$ ۱۶/۲۴	
	عادی	۲۸/۸۳ $\pm$ ۱۱/۴۰	

می‌رفت میزان آزار دیدگی جسمی و روانی در زنان همسر آزار دیده بیشتر از زنان متقاضی طلاق و عادی و در زنان متقاضی طلاق بیشتر از زنان عادی است. و در نهایت برای بررسی تفاوت بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان همسر آزار دیده، متقاضی طلاق و عادی از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج در جدول ۴ آمده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود سن زن و مرد، درآمد زن و مرد، مدت عقد و تعداد فرزندان در هر سه گروه زنان همسر آزار دیده، متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنادار دارد. همچنین در متغیر تعداد فرزندان نتایج نشان داد تفاوت بین گروه زنان متقاضی طلاق با دو گروه دیگر معنادار است. یعنی زنان متقاضی طلاق به طور معناداری فرزندان کمتری نسبت به زنان همسر آزار دیده و عادی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری:

یافته‌های این پژوهش نشان داد روان آزرده خوبی در گروه همسر آزار دیده بیشتر از دو گروه دیگر و موافق بودن در همسر آزار دیده‌ها بیشتر از زنان متقاضی طلاق است. همچنین میزان برونگرایی در همسر آزار دیده‌ها از زنان متقاضی طلاق کمتر و تجربه‌پذیری در زنان متقاضی طلاق بیشتر از افراد عادی است. در راستای این یافته تحقیق‌های پیشین مثل Sommer و همکاران [۲۷]، Kong و همکاران [۱۶] و شرکن و همکاران [۱۱] نشان دادند که درونگرایی اجتماعی و افسردگی در زنان متقاضی طلاق با روان آزرده‌گی رابطه دارد. به نظر می‌رسد وجود رگ‌های مثل رفتار تکانشی در روان آزرده خوبی که در همسر آزار دیده‌ها بیش از دو گروه دیگر

همان‌طور که مشاهده می‌شود میزان تحصیلات بالاتر زوجین در گروه زنان عادی بیشتر از دو گروه دیگر است.

برای بررسی تفاوت بین ویژگی‌های شخصیتی زنان همسر آزار دیده، متقاضی

جدول ۲: آزمون تحلیل واریانس یکراهه برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی در ۳ گروه

متغیر	گروه‌ها	میانگین $\pm$ انحراف معیار	سطح معناداری
روان آزرده خوبی	همسر آزاری	۲۶/۵۷ $\pm$ ۷/۴۷	۰/۰۰۰۱
	طلاق	۲۳/۷۱ $\pm$ ۷/۲۴	
	عادی	۲۱/۸۷ $\pm$ ۶/۳۲	
برونگرایی	همسر آزاری	۲۸/۰۴ $\pm$ ۶/۶۱	۰/۰۲
	طلاق	۲۹/۶۸ $\pm$ ۶/۶۲	
	عادی	۲۸/۵۹ $\pm$ ۵/۸۲	
تجربه‌پذیری	همسر آزاری	۲۵/۹۳ $\pm$ ۴/۱۱	۰/۰۴
	طلاق	۲۶/۳۹ $\pm$ ۴/۲۱	
	عادی	۲۵/۲۶ $\pm$ ۳/۷۲	
موافق بودن	همسر آزاری	۳۴/۰۵ $\pm$ ۵/۶۲	۰/۰۰۰۱
	طلاق	۳۱/۸۹ $\pm$ ۵/۸۵	
	عادی	۳۳/۲۰ $\pm$ ۴/۱۸	
با وجدان بودن	همسر آزاری	۳۶/۸۴ $\pm$ ۶/۹۲	۰/۱۲
	طلاق	۳۶/۴۲ $\pm$ ۶/۳۷	
	عادی	۳۵/۵۴ $\pm$ ۴/۴۷	

طلاق و عادی از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج در جدول ۲ آمده است همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود بین متغیرهای شخصیتی روان آزرده خوبی، برونگرایی، تجربه‌پذیری و موافق بودن در سه گروه زنان

جدول ۴: آزمون تحلیل واریانس یکراهه برای بررسی ویژگی های جمعیت شناختی در ۳ گروه

متغیر	گروه ها	میانگین $\pm$ انحراف معیار	سطح معناداری
سن زن	همسرآزاری	۲۸/۸۵ $\pm$ ۸/۵۵	۰/۰۰۰۱
	طلاق	۲۶/۰۸ $\pm$ ۷/۳۱	
	عادی	۲۵/۸۸ $\pm$ ۴/۷۶	
سن مرد	همسرآزاری	۳۳/۳۳ $\pm$ ۹/۳۶	۰/۰۰۰۱
	طلاق	۳۰/۷۱ $\pm$ ۷/۴۹	
	عادی	۳۰/۶۸ $\pm$ ۴/۹۵	
درآمد زن	همسرآزاری	۶۸/۴۹ $\pm$ ۱۷۸/۱۴	۰/۰۰۳
	طلاق	۶۰/۴۱ $\pm$ ۱۸۲/۸۹	
	عادی	۱۵/۰۳ $\pm$ ۷۷/۸۱	
درآمد مرد	همسرآزاری	۴۴۲/۱۰ $\pm$ ۵۴۲/۲۰	۰/۰۰۴
	طلاق	۵۳۱/۲۸ $\pm$ ۶۲۸/۳۰	
	عادی	۳۲۸/۹۰ $\pm$ ۴۹۳/۶۱	
مدت عقد	همسرآزاری	۱۱/۴۰ $\pm$ ۱۱/۵۰	۰/۰۰۱
	طلاق	۱۶/۰۳ $\pm$ ۱۴/۴۰	
	عادی	۱۲/۷۳ $\pm$ ۱۳/۲۵	
مدت ازدواج	همسرآزاری	۷/۳۶ $\pm$ ۵/۹۶	۰/۳۰
	طلاق	۶/۱۰ $\pm$ ۶/۶۳	
	عادی	۶/۹۶ $\pm$ ۴/۸۶	
تعداد فرزندان	همسرآزاری	۱/۴۰ $\pm$ ۱/۵۸	۰/۰۰۰۱
	طلاق	۰/۶۲ $\pm$ ۱/۰۳	
	عادی	۱/۲۹ $\pm$ ۱/۰۳	

مشاهده شده، می تواند باعث شود این افراد خشم طرف مقابل را تحریک کنند و ویژگی آسیب پذیری در این ها باعث می شود در برابر استرسورها احساس ناتوانی کرده و این به نوبه خود به عدم کنترل خود در موقعیت های مختلف منجر شده و موقعیت مشکل را مضاعف کند. از طرف دیگر وجود رگه هایی مثل اضطراب، خصومت و افسردگی در عامل روان آزرده خویی آن ها را مستعد می کند که در برابر آزار، آسیب پذیر شوند و یک چرخه معیوب تشکیل شود. با توجه به رگه آسیب پذیری در روان آزرده خویی ممکن است وابستگی افراد آزرده خو مانع از تقاضای طلاق

در این ها شود. در همین زمینه، پایین بودن برون گرایی در همسرآزاردیده ها نشان می دهد که آن ها از درجه معاشرتی بودن، ابراز وجود و فعالیت کمتری برخوردارند. این پدیده تبیین بالا را تایید و نشان می دهد که همسرآزاردیده ها از توانایی کمتری برای حل مسئله خود برخوردارند اما متقاضیان طلاق به هرحال به یک راه حل فکر کرده اند و این خود می تواند نشان دهنده نوعی امید در این افراد باشد.

با توجه به بالا بودن عامل موافق بودن در همسرآزاردیده ها، به نظر می رسد این افراد در عین تحمل سختی، از همراهی و تواضع بیشتری برخوردارند و در برابر دیگران نرمش بیشتری از خود نشان می دهند، در حالی که متقاضیان طلاق به احتمال از سر سختی و خودشیفتگی بیشتری برخوردارند. همچنین با توجه به بالا بودن عامل تجربه پذیری در متقاضیان طلاق، ویژگی های این عامل بیانگر تنوع طلبی فرد و کنجکاوی فعالانه آن هاست و چه بسا که این رگه ها زمینه را برای خروج افراد متقاضی طلاق از زندگی مشترک فراهم می کند. رگه های تخیل و زیبایی شناسی در این عامل زمینه های هیجان طلبی و تنوع خواهی را در افراد افزایش داده و به احتمال گرایش فرد به نوع دیگر زندگی را تهییج می کند.

یافته های دیگر تحقیق نشان داد که میزان آزاریدگی جسمی و روانی در زنان همسرآزاردیده بیشتر از زنان متقاضی طلاق و عادی است. این یافته در راستای پژوهش های شمس آباد و همکاران [۹]، سومر و همکاران [۲۷]، پراتا و همکاران [۲۸]، کوکر و همکاران [۲۹]، بک و همکاران [۶] و سیف ربیعی [۷] قرار دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین سن زن و مرد موقع ازدواج، درآمد زن و مرد، مدت زمان عقد و تعداد فرزندان در سه گروه همسر آزرده، متقاضی طلاق و افراد عادی تفاوت وجود دارد به طوری که سن شوهران زنان همسرآزاردیده در مقایسه با زنان متقاضی طلاق و عادی بیشتر است. درآمد زنان همسرآزاردیده و متقاضی طلاق از درآمد زنان عادی بیشتر بود. مدت زمان عقد در گروه زنان همسرآزاردیده و افراد عادی بیشتر از افراد متقاضی طلاق است. این یافته همراستا با پژوهش پاریش و همکاران [۱۹]، وست و همکاران [۲۰]، شمس اسفندآباد و همکاران [۹] و شیرزاد و کاظمی فر [۲۱] و مخالف با رودریگز و همکاران [۳۰] است. آنها نشان دادند که سن پایین هنگام ازدواج، درآمد پایین، پایین بودن سطح سواد، بیکاری و نداشتن فرزند به طلاق منجر شده و وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایین مرد و درآمد پایین، افزایش سن زوجین و مدت زمان دوران عقد همسرآزاری را افزایش می دهد. به احتمال داشتن درآمد توسط زنان و یک پشتوانه مالی می تواند تحمل اختلاف و ناراحتی را در آن ها کاهش داده و باعث شود تا حاضر نباشند در هر شرایطی به زندگی مشترک ادامه دهند، از طرف دیگر به نظر می رسد داشتن فرزند به تحمل مشکلات و اختلاف ها به خاطر آینده فرزندان منجر شده و باعث می شود افراد به زندگی زناشویی ادامه دهند.

یکی از محدودیت های این تحقیق، نمونه گیری تنها از زنان شهر قم است که تعمیم یافته ها را با محدودیت مواجه می کند. همچنین نمونه گیری زنان آزرده تنها از مراکز پزشکی قانونی انجام شده در حالی که بسیاری از زنان ممکن است تحت آزارهای جسمی و روانی قرار بگیرند اما به جایی مراجعه نکنند. در همین زمینه پیشنهاد می شود در تحقیق های آتی نمونه گیری از شهرهای مختلف و مراکز متنوعی انجام شود تا به تصویر کامل تری از وضعیت زنان جامعه ایران دست یابیم.

تشکر و قدردانی:

این طرح با حمایت سازمان پزشکی قانونی استان قم انجام شده است. بدینوسیله از تمام همکاری ها در به ثمر رسیدن این طرح تشکر می کنیم.

منابع:

1. Kameli M. Descriptive study of the factors led to divorce in Iran. *Disciplinary knowledge*. 1386; 9(3): 180-199 (full text in persian)
2. Bahadori F, Saberi SM. Comparison between family function of divorcing couples referred by forensics organization and nondivorced couples. *J Forensics*. 1383; 10(34): 75-79 (full text in persian)
3. World health organization. World report on violence and health: summary. Geneva; 2002: p 15.
4. Xu X, Zhu F, O'Campo P, Koenig MA, Mock V, Campbell J. Prevalence of and risk factors for intimate partner violence in China. *Am J Public Health*. 2005; 95(1): 78-85.
5. Coker AL, Hallsmith P, McKeawn RE. Frequency and correlates of intimate partner violence by type : physical, sexual and psychological Battering. *Am J Pub Health*. 2000; 90(4)
6. Beck CJA, Walsh ME, Ballard RH, Holtzworth- munrooe A, Applegate AG, Putz JW. Divorce mediation with and without legal representation: A focus on intimate partner violence and abuse. *Fam court rev*. 2010; 48(4): 631-645
7. SeyfeRabiei MA, Ramezani-Tehrani F, Nadia-Hatmi Z. Spouse abuse and its relations. *Women Res*. 1381; 4: 5-24 (full text in persian)
8. Mirzayi H. Distribution of types of spouse abuse in the city of Isfahan. *Family health*. 1380; 3(2). (full text in persian)
9. Shams-Esfandabad H, Imami-Pour S, Sadrossadat SJ. Spouse abuse and its relations in married women. *Rehabilitatin*. 1383; 5(3): 30-36 (full text in persian)
10. Shakibayi T, esmaeili M, Karami A. influence of self-differentiation training on reduction of divorcees mental problems. . *J Psychology and education*. 1387; 2(7): 115-131 (full text in persian)
11. Shokrkon H, Khojaste-Mehr R, Attari Y, Haghighi J, Shahni-Yeylagh M. The study of personality characteristics, social skills. attachment styles and demographic characteristics as the predictors of success or failure in marital relationship. *J Psychology and education*. 1385; 3(1) (full text in persian)
12. Amato PR, Cheadle JE. Parental divorce, marital conflict, and children's behavioral problems. *Soc forces*. 2008; 86(3): 1139-1161
13. McFarlane JM, Groff JY, O'Brien JA, Watson K. Behaviors of children who are exposed and not exposed to intimate partner violence: an analysis of 330 black, white, and Hispanic children. *Pediatrics*. 2003; 112(3 Pt 1): 202-7.
14. Shortt JW, Capaldi DM, Kim HK, Laurent HK. The effects of intimate partner violence on relationship satisfaction overtime. *Partner abuse*. 2010; 1(2): 131-152
15. Roberts AL, Gilman SE, Fitzmaurice G, Decher MR, Koenen KC. Witness of intimate partner violence in childhood and perpetration of IPV in adulthood. *Epidemiology*. 2010; 21(6): 1-10
16. Kong SS. Impact of psychological factors on marital satisfaction and divorce proneness in clinical couples. *J Korean Acad Nurs*. 2008; 38(4): 550-560
17. Lawoko S, Dalal K, jiayou L, Jansson B. Social inequalities in intimate partner violence: a study of women in Kenya. *Violence Vict*. 2007; 22(6): 773-84.
18. Zlotinc C, Johnson DM, Kohn R. intimate partner violence and long term psychological functioning in a national sample of American women. *J Interpers Violence*. 2006; 2(2): 262-275.
19. Parish WL, Wang T, Laumann EO, Pan S, Luo Y. Intimate partner violence in China: national prevalence, risk factors and associated health problems. *Int Fam Plan Perspect*. 2004; 30(4): 174-181.
20. Vest JP, Catlin TK, Chan JJ, Brownson RC. Multi-state analysis of factors associated with intimate partner violence. *Am J Prevent Med*. 2002; 22(3): 156-164
21. Shirzad J, Kazemifar A. Epidemiology of divorcing couples. *J Forensics*. 1383; 10(36): 207-212 (full text in persian)
22. Zahirodin A, Khodayifar F. Study of personality profiles of divorce clients to family court. *J Grace*. 1382; 25: 1-8 (full text in persian)
23. Fathi-Ashtiani A, Daštani M. Psychological Tests, Personality and mental health. Tehran: Be'sat press; 1388 (Text in Persian)
24. Nguyen DV, Östergren PO, Krantz G. Intimate partner violence against women in rural Vietnam--different socio-demographic factors are associated with different forms of violence: need for new intervention guidelines?. *BMC Public Health*. 2008; 11(8).
25. Feldhaus KM, Koziol-McLain J, Amsburg HL, Norton LM, Lowenstein SR, Abbott JT. Accuracy of 3 brief screening questions for detecting partner violence in the emergency department. *JAMA*. 1997; 277(17): 1357-61
26. Punukollu M. Domestic violence: screening made practical. *J Fam practice*. 2003; 52(7): 537-543
27. Sommer R, Barnes GE, Murray RP. Alcohol consumption, alcohol abuse, personality and female perpetrated spouse abuse. *Pers Indiv Differ*. 1992; 13(2): 1315-1323
28. Peralta RL, Fleming MF. Screening for intimate partner violence in a primary care setting: the validity of "feeling safe at home" and prevalence results. *J Am Board Fam Pract*. 2003; 16(6): 525-532.
29. Coker AL, Watkins KW, Smith PH, Brandt HM. Social support reduces the impact of partner violence on health: application of structural equation models. *Prev Med*. 2003; 37 (3): 259-267.
30. Rodríguez MA, Sheldon WR, Bauer HM, Pérez-Stable EJ. The factors associated with disclosure of intimate partner abuse to clinicians. *J Fam Pract*. 2001; 50(4): 338-344.